

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال پانزدهم، شماره پنجاه و هشتم، تابستان ۱۴۰۲

تحلیل کهن‌الگوهای «سایه» و «پیر خردمند» در طوطی‌نامه ضیاءالدین

نخشی

سیده زکیه دستمرد* - دکتر محمود حیدری* - دکتر علیرضا شانظری***

چکیده

طوطی‌نامه اثر ضیاءالدین نخشی، عارف قرن هشتم هجری، داستانی تعلیمی، پندآموز و با موضوع محوری فریبکاری زنان، با ساختار داستان در داستان به‌شیوه هزار و یک شب است. موضوع اصلی بسیاری از این داستان‌ها، جدال بین خیر و شر و سعادت و شقاوت است و نویسنده در این داستان‌ها در پی رسیدن به نتیجه اخلاقی برای مخاطب است؛ به همین سبب، فرض بر این است که این ویژگی‌ها از یک‌سو با آموزه‌های عارفان مسلمان و ریاضت‌ها و مجاهدت‌هایی که آنها در سیر و سلوک عارفانه خویش بر نفس سرکش تحمیل می‌کنند و از سوی دیگر با کهن‌الگوهای سایه و پیر خردمند در نزد یونگ، منطبق هستند. این پژوهش به‌شیوه تحلیل محتوای کیفی و با رهیافت نقد روانکاوانه در پی اثبات این فرضیه و پاسخ به این پرسش‌هاست که «چگونه داستان‌های عامیانه طوطی‌نامه قابلیت تطبیق با دو کهن‌الگوی مذکور را دارند و این کهن‌الگوها چگونه در

* دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

dastmard.zakiye9985@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

mahmoodhaidari@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

alireza.shanazari17@gmail.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۳/۱۱

تاریخ وصول ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تکمیل فرایند ناخودآگاه جمعی و رسیدن به کمال و تعلیم مسائل اخلاقی مؤثر واقع شده‌اند؟». فرجام سخن حکایت از آن دارد که این کهن‌الگوها در مشاجرات طوطی و «خجسته» کاملاً مشهود است. اصرار خجسته در دنیاطلبی و کام‌گرفتن از معشوق و بیم و هشدار از سوی طوطی به خجسته، جلوه‌ای از رابطه نفس اماره و نفس مطمئنه است که با کهن‌الگوهای «سایه» و «پیر خردمند» تحلیل‌پذیر و درخور واکاوی است. کهن‌الگوی سایه در این داستان‌ها به صورت حماقت و نادانی، حیله و نیرنگ، خبثت، خیانت، حرص و طمع، شهوت‌رانی و... و کهن‌الگوی پیر فرزانه در هیأت پادشاه، طوطی سخنگو، حکیم، وزیر، دایه، پیرزن معمر و عناصر طبیعی همچون باد و دریا نمایان می‌شود.

واژه‌های کلیدی

ادبیات تعلیمی؛ نقد کهن‌الگویی؛ طوطی‌نامه؛ ضیاء‌الدین نخشبی؛ پیر خردمند؛ سایه

۱- مقدمه

کهن‌الگو ترجمه فارسی اصطلاح آرکی‌تایپ^۱ است که از آن تحت عنوان «مقوله‌های خیالی، نمودگارهای جمعی، سنخ‌های کهن، باستان‌گونه، کهن‌نمونه، نمونه‌ازلی، سرنمون، صور ازلی، صورت نوعی و صورت مثالی» نیز نام برده می‌شود. آرکی‌تایپ در لغت، به معنای نمونه‌ازلی است که می‌توان واژه پروتوتایپ^۲ به معنی شکل اولیه و تصویر ابتدایی را معادل آن بیان کرد. نقد کهن‌الگویی که از نتایج پژوهش‌های علمی مانند روان‌شناسی، مردم‌شناسی، تحلیل ادیان و مذاهب، و تاریخ تمدن در نقد و تحلیل متون ادبی سود جسته است، در نیمه دوم قرن بیستم با آرای «کارل گوستاو یونگ» (۱۹۶۱-۱۸۷۵ م.) دچار تغییر و تحولات بنیادی و اساسی شد. «واکاوی ماهیت و ذات ناهشیار جمعی با اهمیت‌ترین ایده یونگ در روان‌شناسی تحلیلی است. وی ناخودآگاه انسان را تشکیل شده از دو قسمت ناهشیار فردی و ناهشیار جمعی دانسته است. ناخودآگاه جمعی لایه ژرف در ذهن انسان است که گنجینه ذهنی، ایمازهای فراگیر و جهان‌شمول را در بر می‌گیرد و میراثی روانی است که جایگاه آن از ازل و آغاز آفرینش

در ذهن انسان بوده است» (پاینده، ۱۳۸۴: ۳۳). یونگ «ناخودآگاه جمعی را لایه عمیق‌تر ناخودآگاه فردی می‌داند که اکتسابی و شخصی نیست؛ بلکه ذاتی و فطری است و از این رو نام جمعی را برای آن‌گزینهش کرده؛ زیرا که بخشی از ناخودآگاه جهان است که با روح شخصی متمایز است» (یونگ، ۱۳۹۶: ۱۹۶-۱۹۴). یونگ بنیان‌آفرینش اسطوره‌ها، دیدگاه اندیشه‌های مذهبی و برخی از انواع رؤیا را - که بین فرهنگ‌های گوناگون و ادوار تاریخی مشترک‌اند - در ناخودآگاه جمعی می‌داند (مکاریک، ۱۳۸۶: ۴۰۳). این تجربه‌های باستانی موجود در ناهشیار جمعی به وسیله موضوعات و الگوهای تکراری آشکار می‌شود که یونگ از آنها به عنوان «سرنمون، باستان‌نمونه یا همان کهن‌الگو» نام می‌برد.

«یکی از رویکردهای نقد ادبی معاصر نقد کهن‌الگویی است که گاهی نقد اسطوره‌ای هم خوانده می‌شود. نقد کهن‌الگویی به کشف ماهیت و ویژگی اسطوره‌ها و کهن‌الگوها و نقش آنها در ادبیات می‌پردازد» (امامی، ۱۳۸۵: ۲۰۲). نقد کهن‌الگویی بر آن است که هنر و ادبیات نیز مانند خواب، خاستگاه تجلی صور مثالی و ظهور ناخودآگاه جمعی است و هنر به درستی می‌تواند تقابل هنرمند را با جهان درون خویش به منصفه ظهور برساند. یکی از موضوعات مرتبط با نقد کهن‌الگویی، همانندی برخی از این کهن‌الگوها با سلوک عارفان برای رسیدن به تفرّد و تکامل است.

عرفان از خودشناسی شروع می‌کند و به خداشناسی می‌رسد و در این راه سالک طریق از راهنمایی‌های مرشد و پیر خود برای طی طریق بهره می‌برد. در روان‌شناسی تحلیلی یونگ هم برای دستیابی به کمال و فردیت، فرد باید سوبه‌های منفی شخصیت خویش را بشناسد و آنها را کنار بزند و برای کنترل جنبه منفی شخصیت، شیوه‌هایی به کار گیرد تا بر آنها فائق آید. قهرمان در راه رسیدن به تمامیت خود با راهنمایی‌های «پیر فرزانه» بر سایه‌های منفی ناخودآگاه خود غلبه می‌کند و به کمال فردانیت دست می‌یابد. از سوی دیگر در عرفان اسلامی هم با آموزه‌های پیر طریقت که مصداق کهن‌الگوی «پیر خردمند» است، شیوه‌هایی برای مهار و رام کردن نفس سرکش - که مصداق کهن‌الگوی «سایه» در دیدگاه یونگ است - آموزش داده‌اند.

این پژوهش با هدف شناخت این کهن‌الگوها و ارتباط آن با عرفان اسلامی و تفسیر

کهن‌الگوهای موجود در *طوطی‌نامه* در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: کهن‌الگوهای یونگ چگونه در قصه‌های عامیانه *طوطی‌نامه* تجلی یافته‌اند؟ این کهن‌الگوها چگونه در تکمیل فرایند ناخودآگاه جمعی و رسیدن به کمال مؤثر واقع می‌شوند؟ این پژوهش با توجه قراردادان رویکرد عرفانی ضیاء‌الدین نخشبی و ارتباط آرا و عقاید عرفانی با کهن‌الگوها از یک‌سو و جنبه تعلیمی داستان‌های *طوطی‌نامه* از سوی دیگر، بر این فرض استوار است که کهن‌الگوهای سایه و پیر خردمند با آموزه‌های عرفانی منطبق هستند و انسان برای رسیدن به کمال، به‌ناچار باید سایه‌ها را کنار زند و در این مسیر از ارشادها و راهنمایی‌های پیر خردمند بهره برد.

۱-۱ پیشینه پژوهش

مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با مقاله پیش رو عبارت‌اند از: محمدرضا حاجی‌آقابابایی (۱۳۹۶) در اثری با عنوان «بررسی روایت‌شناسانه *طوطی‌نامه*» معتقد است «از منظر اندیشه و فضای فکری، در *طوطی‌نامه* با یک اندیشه غالب روبه‌رو هستیم و متنی تک‌صدا داریم و هنگامی که رفتاری در تضاد با اندیشه حاکم در متن، از سوی یکی از شخصیت‌ها سر می‌زند، منجر به سرکوب و نابودی وی می‌شود».

علیرضا نبی‌لوچهرقانی و منوچهر اکبری (۱۳۸۶) مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عناصر داستانی *طوطی‌نامه*» نوشته و ویژگی‌های این اثر را چنین دانسته‌اند: «تأکید بر حوادث، وجود امور خارق‌العاده، محکم‌نبودن روابط علت و معلولی میان رویدادها، مطلق‌گرایی، ختم‌شدن به نتایج اخلاقی، تغییرناپذیری شخصیت‌ها، کیفیت روایت و فرضی بودن زمان و مکان. لحن و بیان تمام داستان‌ها، جدی است و از طنز و مطایبه در بیان آن اثری دیده نمی‌شود».

پژوهش‌های متعددی نیز به نقد کهن‌الگویی در ادبیات پرداخته‌اند که شمارش آنها پژوهش مستقلی می‌طلبد؛ اما از مهم‌ترین تحقیقاتی که به نقد کهن‌الگویی قصه‌های کهن با ریشه‌های هندی پرداخته‌اند، می‌توان از این پژوهش‌ها نام برد:

سمیه حدادیان و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به «تحلیل کهن‌الگوی پیرخردمند در کلیله‌و‌دمنه» پرداخته‌اند. نویسندگان مهم‌ترین ویژگی‌های پیرخردمند یونگ، در کارکرد و سیمای قهرمانان، شاهان و وزیران مطرح شده در کلیله‌و‌دمنه، از قبیل راهنمایی، همراهی،

سیمای دلنشین، خردمندی و برخورداری از قدرت پیشگویی را در این اثر نشان داده‌اند. آزاده پیروزخواه (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود به بررسی قصه‌های هزار و یک شب از منظر کهن‌الگو و نمادپردازی پرداخته است. وی هزار و یک شب را از جمله آثار ارزشمند و چندبُعدی متون ادبی می‌داند که ژرف‌ساخت آن، امکان بررسی‌های متعدد را به محقق می‌دهد.

فرانک جهانگرد و طیبه گلستانی (۱۳۹۳) نیز به نقد کهن‌الگویی داستان دیگری از کلیله و دمنه پرداخته‌اند. نویسندگان با نقد کهن‌الگویی حکایت «پادشاه و برهمنان» در کلیله و دمنه، کهن‌الگوهای آنیمای مثبت و منفی و پیر خردمند را به ترتیب، در چهره‌های ایراندخت، زن دیگر پادشاه و کارایدون حکیم تحلیل کرده‌اند. کهن‌الگوهای اعداد، مرگ و تولد دوباره و ماندالا هم در این حکایت نمود داشته است که با توجه به این صور ازلی، می‌توان به لایه‌های معنایی دیگری از متن دست یافت.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱ کهن‌الگوی سایه

سایه جنبه منفی شخصیت انسان است. این جنبه به زوایای پنهان و سرکوب‌شده انسان مربوط است. «سایه آن شخصیت پنهان، سرکوب شده و پست و گناهکاری است که شاخه‌های نهایی‌اش به قلمرو نیاکان حیوانی ما بازمی‌گردد و مشمول تمامی جوانب تاریخی ضمیر ناخودآگاه می‌شود» (یونگ، ۱۳۷۰: ۱۶۳). سایه در صورتی که «من» در فرایند تفرّد، بعد از کسب تجارب به هرآنچه زشت و ناپسند جلوه می‌کند، به پوچ بودن آن آگاه شود و در پی مبارزه با آن برآید، می‌تواند در تکوین تعادل روانی نقشی شایان داشته باشد.

کارل گوستاو یونگ باور دارد که انسان در مسیر تکامل خویشتن به لایه‌های ژرف درونی خود سفر، ذهنی، می‌کند و در این سفر، فرایند بازگشت به خود، با لایه‌های مختلف شخصیتی خود، کهن‌الگوها، آشنا می‌شود. از دیدگاه یونگ این سفر، فرایند بازگشت به خود، با جریحه‌دار شدن شخصیت و رنج ناشی از آن آغاز می‌شود (یونگ، ۱۳۵۹: ۲۶۱).

۲-۲ کهن‌الگوی پیر خردمند

کهن‌الگوی پیر فرزانه، کهن‌الگوی خرد و معنا، مظهر زندگی، دانش، و اسرار زندگی پیش از وجود و هستی است. در روان‌شناسی تحلیلی یونگ، کهن‌الگوی پیر خردمند یا پیر دانا با پیر طریقت در عرفان شرقی انطباق‌پذیر است. ارتباط پیر خردمند با ضمیر ناهشیار فردی یا جمعی کاملاً مشخص نیست و نمی‌دانیم این سرنمون باز نمود انگارهٔ عام پدر است یا خدای اسطوره‌ای (بیلکسر، ۱۳۸۸: ۷۰)؛ ولی عملکرد مشترک او در ادبیات، اسطوره و فرهنگ مذهبی ملل درخور بازشناسی است. براساس دیدگاه کمپل، پیر فرزانه بیانگر قدرت محافظ و مهربان سرنوشت و نوید آرامش بهشتی است که قهرمان از آغاز آن را در رحم مادر تجربه کرده است (کمپل، ۱۳۸۹: ۳۱). در عرفان اسلامی شرقی، پیر طریقت امر هدایت را بر عهده می‌گیرد. از دیدگاه یونگ پیر فرزانه، «من» را به سوی خدا رهبری می‌کند و در اتصال فرد به فردانیت او کمک‌کننده است. کارل گوستاو یونگ که اسطوره‌ها را در بسیاری از فرهنگ‌ها بررسی کرده، به این نتیجه دست یافته است که «انگارهٔ پیر آگاه در چهره‌های مختلفی همچون ساحر، طیب، روحانی، معلم، استاد، پدربزرگ، یا هر نوع مرجعی پدیدار می‌شود که راهنمایی، درایت، بصیرت، اندرزآگاهانه، گرفتن تصمیم درست و برنامه ریزی و امثال آن لازم است» (یونگ، ۱۳۵۲: ۱۰۹).

۳- ضیاءالدین نخشی و طوطی‌نامه (مادّه پژوهش)

«مشهورترین اثر ضیاء نخشی طوطی‌نامه است که اصل آن هندی بوده و نخشی آن را به سال ۷۳۰ هجری قمری به لباس عبارت فارسی سلیس درآورده و آن کتاب که متضمن یک عده قصه و حکایت است که به غالب زبان‌ها ترجمه شده است» (محبوب، ۱۳۸۳: ۴۶۰). بنابر آنچه نخشی می‌گوید، دانشمندی پیش از او آن را به فارسی مصنوع متکلفی درآورده بود و عبارات آن چندان دشوار بود که خواص هم نمی‌توانستند از آن بهره ببرند و یکی از بزرگان زمان نخشی، وی را مأمور کرد که آن را کوتاه‌تر و پیراسته‌تر کند. او بعد از آرایش و پیرایش و اصلاح و تهذیب و انتخاب، در مجموع ۵۲ داستان برگزید و به ابیات و اشعار آراست و طوطی‌نامهٔ نخشی از این راه پدید آمد و در سال

۷۳۰ هجری پایان یافت (صفا، ۱۳۶۹: ۱۲۹۴).

«طوطی‌نامه داستانی تعلیمی، پندآموز و با موضوع محوری فریبکاری زنان، با ساختار داستان در داستان، از یک داستان اصلی و زنجیره‌ای از داستان‌های فرعی که طی ۵۲ شب از زبان طوطی سخندان روایت می‌شود و ازین لحاظ همانند "هزارویک‌شب"، "سندباد نامه" و "بختیارنامه" است. سه اثر شبیه به هزار و یک شب یعنی سندبادنامه، بختیارنامه و طوطی‌نامه... در چهارچوب ایده اخلاقی خاصی تدوین یافته‌اند» (ریپکا، ۱۳۶۴: ۱۳۹).

همانگونه که روشن است درون‌مایه و موضوع اصلی طوطی‌نامه، همانند هزار و یک شب، سندبادنامه و بختیارنامه داستان‌گویی برای بازداشتن فرد از کار نادرست و تصمیم عجولانه است. طوطی‌نامه همچون دیگر داستان‌های هندی با افسانه‌سازی از زبان جانوران (تمثیلی) و به‌شیوه داستان در داستان، در گروه آثار حکمی اخلاقی هندی قرار دارد. قصه‌های طوطی‌نامه به نتایج اخلاقی مانند اخلاص و صداقت، دوری از مصاحبت با ناهمجنس، فاش‌نکردن اسرار، سودمندی مشورت، دعوت به پاکی و زهد و عبادت، اعتمادنکردن به دشمن و جز آنها ختم می‌شود. این داستان‌ها مهم‌ترین ابزار تعلیم و تربیت و تفهیم مسائل اخلاقی و اجتماعی در جامعه آن روزگار به شمار می‌آمده و تنها جنبه سرگرمی نداشته است.

تفکر غالب در طوطی‌نامه درباره زنان، به شدت منفی و زن‌ستیزانه است که به‌صورت حکمی مطلق درباره همه زنان تعمیم می‌یابد. در این کتاب زن مظهر طغیان، نافرمانی، خیانت، شهوت‌رانی، ناقص‌عقلی، خدعه و نیرنگ و لعبتی برای سرگرمی مرد است که سرشتی شیطانی و فسادپذیر دارد؛ از همین روی، شایستگی هم‌نشینی با مردان خردمند را از دست می‌دهد. در بسیاری از داستان‌های طوطی‌نامه، تقابل زنی مکار و حيله‌گر و شهوت‌ران، با مردی ساده و بی‌غل‌وغش که به‌آسانی فریفته‌تزویرهای زنان می‌شود، خصیصه مکاری زنان را پررنگ می‌نماید و به مردان گوشزد می‌کند که همواره نگران نیرنگ‌های زنان باشند.

۴- بحث و بررسی کهن‌الگوها در داستان‌های طوطی‌نامه

در قصه‌های طوطی‌نامه نخشی هم یکی از بخش‌های مهم و سرنوشت‌ساز روایت طوطی از داستان‌های باستانی است که طوطی با روایت داستان‌های تعلیمی با گوشزد کردن تعالیمی عرفانی اخلاقی، در نقش «پیر خردمند» از دیدگاه یونگ ظاهر می‌شود تا «خجسته» را در پشت سر گذاشتن ایام نبود شوهرش از ظلمت به سوی نور و روشنایی دعوت و هدایت کند.

برای خجسته که نماد زنان حلیه‌گر و هوس‌باز است، ویژگی‌هایی آورده است که یونگ آنها را معادل کهن‌الگوی «سایه» می‌داند. در عرفان اسلامی نفس با ویژگی‌های چون «شره و خواستاری، سبکساری، نفاق، ریا، دعوی الهیت، عجب و خودبینی، بخل و امساک، عبودیت هوا و سرعت ملالت و کسالت توصیف شده است» (عزالدین کاشانی، ۱۳۸۵: ۵۹ و ۶۱). در نظر یونگ نیز برای سایه ویژگی‌هایی چون خودپسندی، آز، عشق به مادیات، گرایش به ایجاد توهمات، خیالات مزورانه و غیر قابل وصول، بی‌رگی، بی‌مرامی و تمامی گناهان حقیرانه تبیین شده است (یونگ، ۱۳۷۷: ۲۵۷ و ۲۵۸).

۴-۱ کهن‌الگوی پیر فرزانه^۳

طبق آرای یونگ، در جریان انکشاف لایه‌های مثبت و منفی روان ناخودآگاهی و دستیابی به فردیت، نمادها و کهن‌الگوهای بسیاری نقش دارند که آشنایی با آنها و کشف راز و رمز غریبشان، ضروری است. از جمله مهم‌ترین این نمادها، «کهن‌الگوی پیر فرزانه» است که دارای نمودی برجسته در بیشتر داستان‌های روایی - تمثیلی طوطی‌نامه است. این پیر فرشته‌سیما، در حقیقت «همان نفس آسمانی یا من ملکوتی یا نفس به صورت مخاطب است که تنها در نفوسی ظاهر می‌گردد که در هستی زمینی خود حکمت ورزیده باشند» (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۳۰۳).

پیر خردمند، تنگناها و مشکلات ذهنی را نشان می‌دهد و قهرمانی را که به دلیل شرایط خاص درونی و بیرونی قادر به تصمیم‌گیری نیست، به تصویر فردی دانا و دلسوز رهنمون می‌کند. این فرد خردمند بخشی از شخصیت همه مردم در هر اعصار، نمادی از خرد موروثی، بخشی از تمام طبیعت انسان است. کهن‌الگوی پیر خرد از همان آغاز در طوطی‌نامه ظاهر می‌شود و در داستان‌ها حضوری فعال و مؤثر دارد.

او همواره در وضعیتی پدیدار می‌شود که بصیرت، درایت، اراده آهنین، تصمیم‌گیری

و برنامه ریزی و امثال آن برای غلبه بر موانع پیش رو ضروری است؛ اما شخص قهرمان به‌تنهایی توانایی انجام همه این امور مهم را ندارد و درست همین جاست که نقش آفرینی پیر دانا با تأملی از سر بصیرت با ارائه فکری بکر می‌تواند قهرمان را از مخصصه برهاند. جوزف کمپبل در کتاب *قهرمان هزار چهره* او را در عداد مدرسانان غیبی و ماورایی قرار می‌دهد که قهرمان در طول سفر دور و دراز خود ناچار به یاری جستن از آنان است (کمپبل، ۱۳۸۹: ۸۱). به گفته یونگ مداخله این شخصیت ثانوی ناخودآگاه، از آن رو ضروری است که اراده آگاهانه به‌خودی‌خود قادر به یکپارچه‌کردن شخصیت برای توفیق آدمی بر مشکلات روحی نیست (یونگ، ۱۳۶۸: ۱۱۷-۱۱۲).

با این حال باید بدین امر مهم نیز توجه داشت که «با وجود اشتراک عقیده اهل معرفت و یونگ در لزوم حضور پیر فرزانه دانا در طی طریق عرفانی و فرایند فردیت روانی آنچه سبب تمایز این مقوله در دو روش مورد بررسی می‌شود تفاوت ماهیت سلوک عرفانی و فرایند فردیت روانی است» (میرباقری‌فرد و جعفری، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

۲-۴ جلوه‌های پیر فرزانه در طوطی‌نامه مشابه پیر مراد در عرفان

با بررسی آثار کارل یونگ به این نتیجه دست می‌یابیم که کهن‌الگوی پیر خرد نماد روح است و در قالب شخصیتی نمود می‌یابد که به حکم قوه تعقل و دانش خارق‌العاده‌ای که از آن برخوردار است، همواره نقش یاریگر دارد و در مواقعی که شخصیت قهرمان با چالشی حیاتی و بیرون از توان خود روبه‌رو می‌شود و در موقعیتی گرفتار می‌شود که نمی‌تواند از آن رهایی یابد، یاریگر پدیدار می‌شود (امامی، ۱۳۷۸: ۳۶-۳۵).

یونگ که اسطوره‌ها را در بسیاری از فرهنگ‌ها کاویده، به این نتیجه رسیده است که بازنمود کهن‌الگوی پیر خرد در چهره‌های گوناگون پدیدار می‌شود؛ «در هیأت ساحر، طبیب، روحانی، معلم، استاد، پدربزرگ و یا هرگونه مرجعی ظاهر می‌شود. روح مثالی به‌صورت مرد، جن و یا حیوان، همواره در وضعیتی ظاهر می‌شود که بصیرت، درایت، پند عاقلانه، اتخاذ تصمیم و برنامه‌ریزی و امثال آن ضروری است» (یونگ، ۱۳۹۰: ۱۰۹). پیر فرزانه بخشی از شخصیت هر فرد، فارغ از سن و سال اوست. در مکتب یونگ، پیر فرزانه نماد خرد موروثی است و جزء سرشت همه انسان‌ها به‌شمار می‌رود.

شخصیتی مسن و صاحب قنطار که در ساختار ضمیر انسان‌ها جای دارد و در واقع همان تجربه کهن و حقیقت تجربی و خرد ذاتی است که با ما زاده می‌شود و هماهنگی تمامی ساختار زیستی و روانی آدمی را به عهده دارد. صورتی ازلی که در رؤیاهای در قالب پدر، پدربزرگ، معلم، فیلسوف، مرشد، حکیم یا کاهن تجلی می‌یابد و در افسانه‌ها در هیأت حکیمی کهنسال، پیرمردی منزوی، یا ساحری قدرتمند به کمک قهرمان گرفتار می‌شتابد و از طریق عقل برتر به او کمک می‌کند تا از سرنوشتی شوم نجات یابد (یونگ، ۱۳۶۸: ۱۱۲).

- مرغ سخن‌گو (طوطی دانا): یکی از شخصیت‌های کهن‌الگویی در *طوطی‌نامه*، پرنده‌ای با نام مرغ سخن‌گوست که دارای نیروی خارق‌العاده است و دو خویشکاری یاری‌گری و راهنمایی را به عهده دارد. این شخصیت تمثیلی مصداق همان پیر طریق در عرفان است که بدون ارشاد او سالک نمی‌تواند مراحل سلوک را طی کند و از تکامل بازمی‌ماند.

در داستان شب اول، کارکردهای این شخصیت در داستان «میمون» و «خجسته» اینگونه آمده است: «میمون را چون علم و دراست و کیاست و ذکاوت طوطی معلوم شد، در همه کار رجوع به مشاورت او کردی و در جمیع امور صواب از استصواب او جستی» (نخشی، ۱۳۷۲: ۹).

- مار سیاه: در داستان شب سی و هفتم؛ داستان امیرزاده سیستان و مار سیاه و پیل سپید و به پادشاهی رسیدن امیرزاده، مار سیاه با دو خویشکاری راهنمایی و مساعدت پدیدار می‌شود که این ویژگی‌ها نمودار پیر فرزانه در آرای یونگ و پیر طریقت در باور عارفان است. امیرزاده دارای همه ویژگی‌های قهرمان اسطوره‌ای است. شخصیتی نیکوسرشت، شجاع و آماده خطر کردن است. او به خاطر جفای پدر و تعدی برادر، راه سفر در پیش می‌گیرد و سر در سرگردانی می‌نهد و از ملک و مملکت و سلطنت دور می‌افتد و با مشکلات و مخاطرات روبه‌رو می‌شود (نخشی، ۱۳۷۲: ۳۱۰). در این داستان مار سیاه نمود کهن‌الگوی پیر خردمند با دو کارکرد راهنمایی و یاری‌کردن امیرزاده به پادشاهی و مکنت می‌شود.

- حکیم، در داستان شب هشتم پادشاه زاده و هفت وزیر و بدی که از سبب

کنیزک بدو رسید: در این داستان (همان، ۱۳۷۲: ۷۲-۷۰) حکیم با خویشکاری تربیت و آموزش و عقل و خردمندی، باز نمود کهن‌الگوی پیر خردمند در نزد کارل گوستاو یونگ است. کهن‌الگوی حکیم خردمندی است که دانش خود را ارائه می‌دهد و در اختیار دیگران می‌گذارد. معمولاً از دانش خود برای جلوگیری از هرج و مرج استفاده می‌کند و یا آن را در اختیار دیگری قرار می‌دهد تا شانس او را برای رسیدن به موفقیت افزایش دهد. این کهن‌الگو نقش یک مربی یا مشاور را برای قهرمان قصه بازی می‌کند. بزرگ‌ترین نقطه قوت این کهن‌الگو، خردمندی است که باعث می‌شود درک بالایی داشته باشد.

- مطربه؛ در داستان رای پیر که یک پسر و یک دختر داشت و هر دو در این اندیشه بودند که او را بکشند و سرودگویی چیزی در سرود گفت و از آن تائب شدند (نخشی، ۱۳۷۲: ۳۶۰-۳۶۱): در این داستان، سرودگو نقش رهبر و مرشد را برای پسر و دختر دارد که آنها را از عملی شنیع بازمی‌دارد و هر دو به سبب دست برداشتن از نیت شوم خود به مراد و مقصود نائل می‌آیند. نصایح مطربه پای کوب در حکم هشدار و راهنما برای پسر و دختر پادشاه است.

- جادوگر در داستان شب سی و پنجم؛ داستان عشق بازی برهمن با دختر رای کابل و به مقصود رسیدن هر دو به سعی مرد جادوگر: مرد جادوگر در خویشکاری یاریگری و چاره‌جویی در کمک به برهمن نمود کهن‌الگوی پیر خردمند در روان‌شناسی یونگ جلوه پیدا کرده است (همان، ۱۳۷۲: ۲۹۷-۲۹۱).

- وزیر در داستان شب چهلم؛ داستان فغفور چین و وزیر دانا و ملکه روم و طاووس و ماده طاووس و آهو و ماده آهو و عقد کردن فغفور چین ملکه روم را: در این داستان (همان، ۱۳۷۲: ۳۲۸) وزیر فغفور چین با خویشکاری خردمندی و فرزاندگی، یاریگر فغفور چین برای رسیدن به ملکه روم است؛ نقشی مشابه شاپور در داستان خسرو و شیرین نظامی.

- داستان شیر و چهار وزیر او، و برهمنی که از مجاملت دو وزیر آسوده شد و از مناقشت دو وزیر فرسوده ماند (نخشی، ۱۳۷۲: ۱۸۹-۱۸۲): این دو وزیر نیکو و مشاور داهی با مساعدت و صیانت از درویش، نمود مرشد در عرفان اسلامی و مصداق سرنمون

«پیرخردمند» در روانشناسی تحلیلی یونگ هستند.

- مار و قورباغه در داستان شب هجدهم؛ داستان نیک فال و «خالص» و «مخلص» که در اداء حقوق ملک زاده کمر بسته بودند: در این داستان (همان، ۱۳۷۲: ۱۶۵-۱۶۴) خالص و مخلص (نام دو قورباغه) مصداق سرنمون پیردانا در روانشناسی و پیر مراد در عرفان هستند که با ارشاد و خدمت به پادشاه زاده او را به پادشاهی می‌رسانند.

- پیرزن معمر در داستان دختر قیصر روم و اثبات پاکدامنی خود و از بین بردن قضاوت نابجای پادشاه (نخشی، ۱۳۷۲: ۴۱۱-۴۰۶): در این داستان خصایل نفسانی پادشاه مصداق کهن‌الگوی «سایه» و وزیر به‌عنوان تدبیرگر و مشاور مصداق کهن‌الگوی پیر دانا در روانشناسی تحلیلی یونگ است که با تدبیر خود باعث نجات خدم و حشم می‌شود. در این داستان، هم پیرزن معمر در نقش کهن‌الگوی «پیر خردمند» نمایان می‌شود و زمینه عبور زن از گرفتاری که برایش پیش آمده را فراهم می‌کند و هم پادشاه با راهنمایی وزیر از خشم و غضب و قضاوت نابجای خود که همان نفسانیت در عرفان و نمود «سایه» در روانشناسی تحلیلی یونگ هستند، به سلامت عبور می‌کند.

- داستان رای اجین و قهریه دختر رام ثانی و به مقصود رسیدن او (نخشی، ۱۳۷۲: ۳۷۴-۳۷۲): با تحلیل کهن‌الگویی یونگ می‌توان باد، دریا و «دلوق، جکوته، تیغ، نعلین» (میراث دو جوان) را - که در رسیدن رای اجین به معشوقه خود به او کمک می‌کنند - نمودگارهای کهن‌الگوی پیر خردمند دانست و ویژگی‌های خباثت، خیانت و دشمنی را که در پسر وزیر نمایان می‌شوند، با کهن‌الگوی «سایه» منطبق کرد.

۴-۳ کهن‌الگوی «سایه» در طوطی‌نامه نخشی

در بسیاری از داستان‌های طوطی‌نامه، تقابل زنی مکار و حيله‌گر و شهوت‌ران، با مردی ساده و بی‌غل و غش که به آسانی فریفته تزویرهای زنان می‌شود، خصیصه مکاری زنان را پررنگ‌تر می‌نماید و به مردان گوشزد می‌کند که همواره نگران نیرنگ‌های زنان باشند. به عبارتی دیگر، «زاهدنمایی زنان بدکار در این داستان‌ها، در حکم ریشخند و تنبّه برای مردانی است که زنان خود را پاک دامن و عقیف می‌انگارند» (محمدحسینی، ۱۳۴۶: ۷۸-۸۰). کهن‌الگوی «سایه»، در طوطی‌نامه نمودهای فراوانی دارد. در همان ابتدای

داستان خصائلی که ضیاء نخشی برای شخصیت «خجسته» می‌شمرد، به کهن‌الگوی سایه مربوط می‌شود. «خجسته» زنی وسوسه‌گر است که با دنیاطلبی و اصرار در کام گرفتن از معشوق بازنمایی کننده تمایلات نفسانی و شهوانیات است. این زن با زیرپا گذاشتن هنجارهای اخلاقی پیمان زناشویی را می‌شکند؛ اما رابطه‌ای که با مرد به ظاهر مطلوبش برقرار می‌کند، منجر به پیامدهای ناگوار می‌شود. کارکردهای شخصیت خجسته از اولین نمونه‌های سایه در *طوطی‌نامه* است. پیوند این زن با تاریکی در عبارات زیر مشخص است. «روزی خجسته بالای بام تماشای عام می‌کرد، دو چشم او با دو چشم ملک‌زاده دوچار شد. فی‌الحال از پای درآمد و بیهوش شد و از دست برفت و مدهوش گشت و لشکر شوق بر طلیعه صبر استیلا یافت و بزک عشق بر مقدمه سکون مستولی شده سلطان ولا بر ولایت دل خیمه بقراری نصب فرمود و شحنة هوا، حواس خمسه را نیست و نابود گردانید» (نخشی، ۱۳۷۲: ۱۱).

در ادامه، در داستان «طوطی و تاجر و زن تاجر» باز هم خویشکاری شخصیت «زن تاجر» به کهن‌الگوی سایه مربوط می‌شود. در این داستان، سفر تاجر، آزمون خطیری است که طی آن، تاجر به طور نمادین باید زن بدطینت را مجازات کند. این رویارویی مصاف با یک دشمن بیرونی نیست؛ بلکه مواجهه درونی با کهن‌الگوهای ضمیر ناخودآگاه است که باید صورت بگیرد تا تاجر بتواند به فردانیت برسد. «مطابق با نظریه یونگ، این مواجهه سه مرحله دارد: ۱. رویارویی با «سایه»، ۲. تشخیص «همزاد مونث» (آنیما یا معشوق ازلی)، ۳. تمامیت یافتن «نفس» (پاینده، ۱۳۹۹: ۳۵۵). در این داستان «زن تاجر» بازنمایی کننده «آنیمای منفی» در روان تاجر است که کارکردهای آن تجلی کهن‌الگوی «سایه» در روان تاجر است. «سایه» تاجر دربرگیرنده همه آن خصوصیات منفی ای است که او آنها را به رسمیت نمی‌شناسد و در ساحت تاریک روانش نگه داشته است. امیال ویرانگرانه‌ای مانند: «کسب موفقیت به بهای هلاکت دیگران و حتی آسیب زدن به دیگران، هوس، خیانت، حيله گری، خشم و غضب» در تاجر نیز همچون هر فرد دیگری وجود دارد؛ اما البته او وجود این امیال را در خود هرگز نپذیرفته و در واقع از ادغام آنها در بخش خودآگاه روانش پرهیز کرده است. سلامت روان او مستلزم شناختی عمیق از

خویشتن است، هم خویشتن نوع دوست و هم خویشتنی که در زمان لازم می تواند ویرانگرانه رفتار کند.

«اگر سایه به طور کامل سرکوب شود، روان یکنواخت و بی روح می گردد زیرا انرژی آن کاهش می یابد و یا سایه شخص شورش می کند چون وقتی سایه سرکوب شود از بین نمی رود؛ بلکه در ناخودآگاه پنهان می شود و منتظر بحران یا ضعف در "من" یعنی مرکز بخش هشیار و خودآگاه روان می ماند تا شخص را تحت سلطه گیرد» (شولتز، ۱۳۹۰: ۱۲۴)؛ از این رو شناخت درست سایه شرط لازم رویارویی صحیح با آن است. سایه را به وسیله علم و به یاری و همت خلاقانه می توان شناخت و با آن روبه رو شد. همچنین باید با سنجش لازم گذاشت که تمایلات و خواست های آن تا حدی تحقق یابند (فوردهام، ۱۳۷۴: ۵۵).

۴-۱ نمونه های «آنیمای منفی» که خویشکاری کهن الگوی سایه دارند

زنان در طوطی نامه اغلب به صورت شخصیت لگاته با تخیلات شهوانی تجلی یافته اند. رایج ترین نمود منفی آنیما، هنگام هجوم تخیلات شهوانی آشکار می شود. این تصویر ناهنجار و بدوی آنیما تنها زمانی شکل می گیرد که مرد به قدر کافی، مناسبات عاطفی خود را پرورش نداده باشد و وضعیت عاطفی وی نسبت به زندگی، کودکانه باقی مانده باشد (یونگ، ۱۳۵۲: ۹۵۳). این نمود از آنیمای منفی در شخصیت و رفتار خود فرد بازتاب دارد و همانند نمود پیشین، در چهره زنانه فرافکنی نمی شود. تخیلات شهوانی، هوسبازی، غدر و پیمان شکنی، فاسق بودن از ویژگی های سایه اند؛ همان خصائلی که در عرفان به عنوان صفات مذموم، نکوهیده و نفسانیات سرکوب می شوند.

۴-۲ در داستان زن جوکی، زن جوکی بازتاب دهنده تمایلات نفسانی و پست

ناخودآگاه مرد جوکی است که به کهن الگوی سایه مربوط می شود. در این داستان مرد جوکی می خواهد با نبردی نمادین برای مهار «سایه» در روان خود، به تاریک ترین زوایای روح و روان خود دست یابد تا بتواند «آنیمای» ضمیر ناخودآگاه خود را [که «زنی» در نهایت زیبایی و رعنائی است] بشناسد و توانایی تشخیص عشق و تمایز آن با تباهی اخلاقی را به دست آورد؛ اما مرد با سرکوب آن نمی تواند به تمامیت نفس برسد و رشک

و غیرت بی جای او باعث می‌شود زن در بیابان با صد نفر نرد شهوت ببازد و فرد نتواند هر دو جنبه آگاه و ناآگاه ضمیر خود را یکپارچه کند (رک. نخشی، ۱۳۷۲: ۱۸).

- در عهدی میان زنی و رنگری نظر محبت بود. وقتی این زن بدو رفتی و گاهی آن بدین آمدی

در این داستان (همان، ۱۳۷۲: ۷۴، ۷۵). رنگرز و شاگردش تجلی آنیموس منفی (نرینه روان زن) هستند. خود زن نمود آنیما (همزاد مؤنث) در ذهن خواجه است که خویشکاری کهن‌الگوی سایه در او مشهود است. شخصیت زن با ویژگی هوسبازی و خیانت و حيله‌گری نمایان شده است که این خصائل جلوه‌دهنده کهن‌الگوی سایه در نزد یونگ هستند. در این سیروسلوک یا سفر درونی، خواجه برای شناخت خویشتن با نیمه منفی وجود خود مواجهه می‌شود که دربرگیرنده همه خصایل منفی است که آنها را به رسمیت نمی‌شناسد و برای فائق آمدن بر آنها از ادغام آنها در بخش خودآگاه دوری می‌کند و برای رسیدن به فردانیت با ژرف اندیشی خود را در موقعیت بهتری برای مهار تکانه‌های ویرانگر قرار می‌دهد.

- وقتی تاجری بود با مال و منال بسیار و زنی داشت فاسقه

در این داستان (نخشی، ۱۳۷۲: ۷۶، ۷۷) تاجر نماد نوع انسان است که در سفر درونی به اعماق ناخودآگاه خود با جنبه منفی روان خود روبه‌رو می‌شود. زنی فاسق و دغل‌باز که آنیموس روان خود را در همسر پیدا نمی‌کند و در غیاب او آنیموس منفی در ناخودآگاه او بروز پیدا می‌کند و او را به فسق و فجور می‌کشاند؛ پیرزن نقش ملازم و همراه برای تاجر ایفا می‌کند. ویژگی فاسق بودن و حيله‌گری جنبه تاریک و واپس‌راننده زن هستند که به کهن‌الگوی سایه مرتبط‌اند.

- چنین گویند: وقتی دهقانی بود صالح، پسر او را زنی بود در غایت مکر و حيله

در این داستان (همان، ۱۳۷۲: ۸۱-۸۰) حيله‌گری، نیرنگ‌بازی، و خیانت‌کار بودن که ویژگی‌های زن پسر دهقان هستند، نمودهای زوایای تاریک در ناخودآگاه انسان‌اند که در شخصیت این زن آشکار شده‌اند و پسر دهقان نمی‌تواند آنها را با بُعد خودآگاه بیامیزد و قدرت مهار آن را ندارد؛ در نتیجه این آنیمای منفی با کارکرد شرّ و خیانت باعث

سرگردانی دهقان می‌شود.

– داستان پسر وزیر و زنان ایشان و راهب و سخن گفتن طوطی چوبی

در این داستان، پیشرفت وقایع به گونه‌ای است که تاجر با کهن‌الگوی «سایه» و «همزاد مؤنث» روبه‌رو شود و آنها را تشخیص می‌دهد تا سرانجام نفس او به تمامیت برسد. با این کار تاجر موفق می‌شود امیال ویران‌گرانه را در ناخودآگاهش مهار کند و در مبارزه‌ای نمادین با شرارت‌های وجود خود در شخصیت پسر وزیر و اغوای آنیمای منفی وجودش توسط همسرش به پیروزی برسد و درنهایت با طردکردن زن و و رفیق خائن برای معرفت به نیروهای درونی تلاش کند و آنها را مهار کند.

– داستان کامجوی و خنده‌ی ماهی و فطانت کودک بی‌پدر و کشته‌شدن هشتاد آدمی

پیرنگ این داستان (نخشی، ۱۳۷۲: ۲۰۱-۲۰۰) نیز سیروس‌سلوک یا سفر درونی به اعماق ناخودآگاه است. در این سفر – که در صحرایی که حاصل از معنویتی مرده و بی‌حاصل است – با مسئله‌ای دشوار برخورد می‌کند؛ پس از رخدادهای بسیار، کامجوی و سی و نه زن دیگر پادشاه که با خصائل شهوت‌رانی و هوسبازی و غدر و نیرنگ نمود یافته‌اند، به‌خاطر خیانت و مکر و فسق و فجور – که نمود سایه منفی در روان‌شناسی کارل یونگ هستند – به هلاکت می‌رسند.

ابن الغیب نماد خودآگاه روان تاجر است که تولد او به‌صورت غیرعادی و نامتعارف است و طبق سرنوشتی که از پیش برای او تعیین شده است، از مسئله غامضی پرده برمی‌دارد.

زنان آنیمای منفی در روان پادشاه هستند که با کارکردهای شنیع و وقیح، خصائل سرنمون سایه را بازمی‌تابانند. پادشاه با کمک ابن‌الغیب یا همان نیروی تعقل و تفکر بر این بُعد سیاه و ویرانگر غلبه می‌کند و نفس خود را به تکامل می‌رساند.

– داستان بشیر و عاشق شدن او بر حبذا و لت خوردن اعرابی و خلوت کردن با

خواهر حبذا

حبذا و خواهر او که نمود سرنمون آنیما با جنبه منفی هستند، با هوس‌بازی و نیرنگ خویشکاری، کهن‌نمونه سایه را جلوه می‌دهند. شوهر حبذا که آنیموس در نزد یونگ هست، نمی‌تواند نیمه گمشده حبذا باشد و حبذا بخش سیاه و واپس‌راننده روان اوست

که نمی‌تواند بر آن غلبه کند و با بشیر نرد شهوت می‌بازد.

– در سرانندیب بازرگانی بود بهزاد نام

در این داستان (همان، ۱۳۷۲: ۲۱۹، ۲۲۰)، همان‌ز شخصیت حیل‌گر و حقه‌باز داستان است که تمام خصائل کهن‌الگوی سایه را دارد. این آنیمای منفی با شهوت‌رانی و طامع هوس بودن شوهرش را در مهلکه قرار می‌دهد و با رام‌نکردن امیال ویرانگر، خود را به بوتۀ نابودی می‌کشانند.

– داستان زرگر و نجار و دزدیدن زرگر و حیل‌گر کردن نجار

در این داستان، هم زرگر و هم نجار دو جنبۀ ناآگاهانه و آگاهانه ذهن هستند که باید ادغام و یکپارچه شوند تا فرد به تمامیت «نفس» برسد. خویشکاری زرگر، سایۀ نجار است که به صورت نمادین نمایش‌دهندۀ امیال پست و سرکوب‌شده‌ای هست که در بخش ناخودآگاه روان وجود دارند. امیالی مانند «حیل‌گری، طمع، خیانت و ریاکاری» که نمود کهن‌الگوی سایه‌اند. روایتی از سفر به ساحت‌های تاریک روان و کسب شناختی عمیق از خویشتن برای نیل فردانیت. زرگر و نجار برای رهایی از تنگدستی و فقر، سفری را با هم آغاز می‌کنند. با زدن «نقاب» رهبانی بر صورت به بتخانه‌ای (جایی که هرآنچه مستورکننده است از تن برگرفته می‌شود و خود واقعی، اما پنهان آشکار می‌گردد) پر از بتان زرین و مکمل و مرصع به جواهر و یواقیت وارد می‌شوند (نخشی، ۱۳۷۲: ۲۹).

– داستان مرد لشکری و زن صالحه و دادن دسته گل و تازه‌ماندن آن گل

شخصیت‌های این داستان هم کارکرد کهن‌الگویی دارند. زن صالح با شخصیت «زن اثیری» مصداق زنی فرشته‌گون به نظر می‌رسد که فوق‌العاده زیباست و دست نیافتنی است. لاهوتی و مطهر است و باعث تعالی و رستگاری عاشق می‌شود. این شخصیت مربوط به کهن‌الگوی «آنیمای مثبت» روان مرد لشکری است. این زن نیکوسرشت با عصمت و پاکدامنی خود باعث فروکش شدن روان طغیانگر مرد لشکری از غیرت و حمیت بی‌مورد و به تعادل رساندن آن می‌کند؛ اما امیرزاده دارای شخصیت منفی است که ویژگی‌های او نمود کهن‌الگوی سایه در روانشناسی یونگ هستند.

این شخصیت تجسم شرّ و نقطه‌مقابل نیک ذاتی است. معمولاً با انواع حیل‌ها به روح

و روان یک شخص رسوخ می‌کند و با اغوای او موجبات سقوط اخلاقی و تباهی‌اش را فراهم می‌کند. «کسانی که به قدر کافی دربارهٔ سایه‌ها و نیمهٔ تاریک وجودشان نمی‌دانند، احتمالاً قربانی نفوذ و تأثیرات شیطانی می‌شوند. آنگاه کسی که احتمال و امکان وجود شرارت را در خود بپذیرد، راجع به دیگران نظر دیگری پیدا می‌کند و می‌پذیرد که ظرفیت شرارت در همه وجود دارد» (فون فرنس، ۱۳۸۳: ۲۰).

۵- نتیجه‌گیری

طبق اصول نقد کهن‌الگویی یکی از بهترین زمینه‌ها برای بروز کهن‌الگوهای روانی، آثار داستانی - تمثیلی است. پیر خردمند آرکی‌تایپی است که سمبل خردورزی و تعقل، مجرب‌بودن، دانش و شفقت پدران است و نمود و نقش آفرینی ملموس و مشهود آن را در بیشتر متون تمثیلی و روایی، باید در همین راستا سنجید. کارکرد اصلی پیر فرزانه براساس تعالیم یونگ، دستگیری معنوی سرنمون قهرمان (سالک جویای حق در آثار عرفانی) است.

از دیگر کهن‌نمونه‌هایی که یونگ به تفسیر آن پرداخت، «سایه» است که معادل شخصیت‌های منفی داستان‌ها دانسته شده است. حال آنکه با توجه به خصوصیات سرنمون سایه می‌توان نفس را در متون عرفانی تا حدی معادل این کهن‌الگو دانست و شباهت‌ها و تمایزات میان این دو مسئله را نقد و واکاوی کرد.

در این جستار با تحلیل داستان‌های طوطی‌نامه به این نتیجه دست یافتیم که کهن‌الگوی سایه در این داستان‌ها به صورت حماقت و نادانی، حيله و نیرنگ، خباثت، خیانت، حرص و طمع، شهوت‌رانی و... جلوه یافته است که نمودار تمایلات نفسانی در عرفان اسلامی هستند و کهن‌الگوی پیر فرزانه در هیأت طوطی سخنگو، حکیم، زیر، دایه، پیرزن معمر و عناصر طبیعی همچون باد و دریا نمایان شده است که کارکردی شبیه پیر مراد در سلوک عارفانه عارف راه حق در رسیدن به تکامل و فردانیت دارند.

1. Archetype
2. Prototype
3. Wise old man Archetype

منابع

۱. امامی، نصرالله (۱۳۸۵)، *مبانی و روش‌های نقد ادبی*، چاپ سوم، تهران: جامی.
۲. بیلکسر، ریچارد (۱۳۸۸)، *اندیشه یونگ*، ترجمه حسین پاینده، تهران: آشتیان.
۳. پاینده، حسین (۱۳۸۴)، *اسطوره‌شناسی و مطالعات فرهنگی: تبیین یونگ از اسطوره‌های مدرن در اسطوره و ادبیات*، تهران: سمت.
۴. پاینده، حسین (۱۳۹۹)، *نظریه و نقد ادبی*، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۷، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۷، چاپ سوم، پاییز ۱۳۹۹، تهران: سمت.
۵. پورنامداریان (۱۳۹۳)، *رمز و داستان‌های رمزی در ادب پارسی*، تهران: علمی و فرهنگی.
۶. حاجی آقابابایی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «بررسی روایت‌شناسانه طوطی‌نامه»، *متن‌پژوهی ادبی*؛ سال ۲۱، ش ۷۴، ۷۸-۵۳.
۷. جبری، سوسن؛ یوسفی، سحر (۱۳۹۵)، «پیوند عناصر جادویی و انگاره‌های کهن‌الگویی در قصه‌های عامه»، *فرهنگ و ادبیات عامه*، سال چهارم، ش ۸۱، ۱۰۸-۷۹.
۸. روضاتیان، سیده مریم (۱۳۸۹)، «نقد و تحلیل کهن‌الگوی نقاب با توجه به رفتارهای ملامتی»، *مجله بوستان ادب*، سال ۲، ش ۳، پیاپی ۵، ۱۴۲-۱۲۱.
۹. ریپکا، یان (۱۳۶۴)، *ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغول*؛ ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
۱۰. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)، *تصوف ایران در منظر تاریخی آن*، ترجمه دکتر مجالدین کیوانی، تهران: سخن.
۱۱. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات در ایران*، چاپ هفتم، تهران: فردوس.
۱۲. صفری، جهانگیر؛ محمودنژاد، حمیده (۱۳۸۵)، «بررسی برخی از کهن‌الگوها در شعر

- احمد شاملو، «فصلنامه پژوهش‌های ادبی، دوره ۳، ش ۱۱، ۱۱۳-۱۴۴».
۱۳. کمپل، جوزف (۱۳۸۹)، **قهرمان هزار چهره**، ترجمه شادی خسروپناه، چ ۴، مشهد: گل آفتاب.
۱۴. محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۳)، **ادبیات عامیانه ایران**، به‌کوشش حسن ذوالفقاری، چاپ دوم، تهران: نشر چشمه.
۱۵. مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۴)، **دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر**، ترجمه مهران مهاجری و محمد نبوی، تهران: آگه.
۱۶. نبی‌لو، علیرضا؛ اکبری، منوچهر (۱۳۸۶)، «تحلیل عناصر داستانی طوطی‌نامه»، **فصلنامه پژوهش‌های ادبی**، سال ۵، شماره ۱۸، ۱۷۲-۱۴۱.
۱۷. نخشبی، ضیاء‌الدین (۱۳۷۲)، **طوطی‌نامه**، به‌کوشش فتح‌الله مجتبابی و غلامعلی آریا، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
۱۸. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۵۲)، **انسان و سمبول‌هایش**، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر.
۱۹. یونگ، کارل گوستاو (۱۴۰۰)، **ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگو**، مترجمان: فرناز گنجی و محمدباقر اسماعیل‌پور، چاپ چهارم، تهران: جامی.